

## آینه

## نویسندگان

## فرصت‌سوزی در چابک‌سازی

● **امیر کرمانی - مهدی حدیری**... بررسی ساختار مالکیت شرکت‌های بورسی نشان می‌دهد دولت در بیش از ۱۰۰ شرکت بورسی مالکیت مستقیم و غیرمستقیم دارد و مجموع ارزش بازار سهام دولت درحال‌حاضر حدود ۳۰۰ هزار میلیارد تومان است. در طرح فعلی واگذاری ۱۸ شرکت در قالب سه ETF عرضه می‌شود و تخمین اولیه اعلام‌شده از میزان تأمین مالی دولت در اولین ETF حدود ۱۶ هزار میلیارد تومان است که با توجه به رشد بالای قیمت‌ها در یک ماه اخیر احتمالاً این میزان افزایش خواهد یافت. اما آیا دولت نمی‌توانست با درنظرگرفتن ملاحظات فوق، همین میزان دارایی را به شکل متعارف به فروش رساند؟... همچنین اگر دولت بخواهد کنترل فعلی بر شرکت‌های اصلی را حفظ کند و فروش سهام را تنها به شرکت‌هایی که مالکیت مستقیم و غیرمستقیم زیر ۱۵ درصد دارد محدود کند، امکان فروش بیش از ۴۰ هزار میلیارد تومان دارایی را دارد. در سوی دیگر تعداد زیادی شرکت مشابه در یک صنعت در سبد سهام دولت وجود دارد که اگر انگیزه ابای نقش حاکمیتی از طریق این شرکت‌ها را بپذیریم، همچنان می‌توان این وظایف حاکمیتی را با بخشی از این شرکت‌ها نیز به سرانجام رساند...

## سرمایه‌های خرسرویی

● **سرمایه‌داری ۷۰درصدی بر خصلت ایرانیان چه اثری می‌گذارد؟**

● **سروش خرسرویی**: ... ظرف ماه‌های آینده با آزادسازی سهام عدالت و عرضه صندوق‌های سرمایه‌گذاری دولتی در بازار سرمایه، ایران، از لحاظ نسبت تعداد سهامداران، به کل جمعیت، به بزرگ‌ترین جامعه سهامدار در جهان تبدیل می‌شود... در مجموع ۱۴ میلیون نفر تا پیش از این در بازار سرمایه فعال بوده‌اند؛ حال با اضافه‌شدن ۴۸ میلیون دارنده سهام عدالت به جامعه سرمایه‌گذاران ایرانی، درمجموع افزون‌بر ۶۰ میلیون ایرانی تا پایان سال به بازار سرمایه متصل خواهند شد... بورس و بازار سرمایه زمین بازی متفاوتی است؛ تجربه نشان داده قیمت سهام به هر تحول اقتصادی، سیاسی و اجتماعی حساس است؛ این خصلت ذاتی بورس به مشارکت‌کنندگان در بازار سرمایه می‌آموزد که می‌بایست خردمندانه تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سرزمین خود را دنبال و در آن مشارکت کنند؛ زیرا در بورس آنچه سرنوشت آدم‌ها و بازیگران بازار را تعیین می‌کند، تصمیم‌هایی است که بر پایه خرد و تحلیل داده‌ها گرفته می‌شود و نه تقدیر.

## لغت

## ۲۰ سال گذشت: حالا چه؟

● **عباس عابدی**: ... خوب به یاد دارم که آن زمان تازه ویلاها شکل گرفته بود. مک‌کم ماهواره هم داشت عمومیت پیدا می‌کرد. اینترنت خیلی خیلی ضعیف بود، ولی آن‌قدر بود که بتوان به‌عنوان زیرساخت یک رسانه هرچند ضعیف عمل کند. در آن زمان بارها و بارها تذکر داده می‌شد که مخالفت‌کردن با آزادی مطبوعات به نفع کشور نیست، هرچند این‌گونه مطبوعات می‌توانند عوارضی هم داشته باشد ولی بستن آنها نه‌تنها مفید و به نفع کشور نیست، بلکه عملاً با توسعه وسایل ارتباطی ممکن هم نیست. ولی درک آن بنده خدایی که حکم بستن را امضا و اجرا کرد کجا و این واقعیات روشن و آینده‌نگری کجا؟ و البته وضعیت خود او نیز درس‌آموز است. اکنون ۲۰ سال از آن ماجرا گذشته است. چه وضعی داریم؟ نه صدواسیم‌جاگه‌ا گذشته را دارد و نه آن مطبوعات نای نفس‌کشیدن... این روزنامه هم معلوم نیست در کجای نقشه رسانه‌ای کشور است. کشوری که یک کاتال تلگرامی مثل آندمیوز تبدیل به کاپوس رسانه‌ای برای آن شده بود و امروز هم بازیگردان فضای رسانه‌ای کشور نه در داخل که در خارج کشور است، و حتی آن بخشی هم که در داخل هستن نیز خارج از نظارت و مسوولیت‌پذیری رسمی است...

## ادامه از صفحه ۳

نمی‌تواند در انتخابات آینده ریاست‌جمهوری چه شرکت در انتخابات شانسسی داشته باشد. به‌نظر شما چه راهکار معقول و اجرایی‌ای پیش‌روی این جریان برای بازسازی و نقش‌آفرینی در عرصه سیاست وجود دارد؟

جریان اصلاح‌طلبی برای اینکه بتواند به‌عنوان کنشگر حال و آینده جامعه خود نقش مؤثری ایفا کند نیازمند تحول حال و احوال گفتمانی، تشکیلاتی، رفتاری، اندیشگی و... به احسن حال است، در این شرایط، معتمد-که تنها یک خدا می‌تواند چنین تحولی را در اصلاح‌طلبان و اصلاح‌طلبی «واقعاً موجود» ایجاد کند. پس، بیاید دعا کنیم.

● **نقشه شروع تحول و بازیبنی جریان اصلاح‌طلبی را کجا می‌دانید و روش مناسب آن چیست؟ اولویت با بازنگری در فرم است یا محتوا؟ آیا کسانی که اکنون داعیه‌دار پیشگامی در مدیریت جریان اصلاحات هستند (مانند شورای عالی، احزاب بزرگ فعلی یا حتی آقای خاتمی) می‌توانند نقش اصلی در بازنگری و ترمیم چه در فرم و چه در محتوا داشته باشند؟**

در این شرایط، جریان رسمی و اسمی اصلاح‌طلبی را سنگین‌پاتر و سترون‌تر از آن می‌دانم که کارگزار تغییر تاریخ-اکنون خود و جامعه شود و جریان در راه را موضوع اراده معطوف به آگاهی و آفرینش خود قرار دهد. بنابراین معتمد-جریانی در راه است: جریانی «پسا-اصلاح‌طلبی». از «پسا» مراد هم «گسترسازی»، هم «تداوم و استمرار» و هم «در تقابل با»، «متفاوت از و متفاوت با»، «در واکنش به»، «فراسو»، «مابعد»، «گست» و «بیوست» است. مشخص‌تر بگویم: جریان در راه اگرچه کماکان از گوهره و درون‌مایه و سوبه‌ای غیرادیدکال (مدنی یا اصلاحی) برخوردار خواهد بود، اما در فصل و فاصله از اصلاح‌طلبی «واقعاً موجود» تعریف و تدوین می‌شود، اگرچه هویت خود را کاملاً «بر قدرت» تعریف نمی‌کند، اما تلاش می‌کند سوبه «بر قدرتی» خود را برجسته‌تر نماید، اگرچه کماکان به کنشگری در عرصه سیاست ادامه خواهد داد، اما در هیئت و صورت یک کنشگر فرهنگی، اجتماعی، هنری و زیباشناختی نیز، نمایشی پررنگ دارد، اگرچه از نوعی باهم‌بودگی و سامان جمعی برخوردار است، اما این سامان نه در قالب حزب بلکه عمدتاً در قاب یک پارتاز – هم مشترک بودن و هم سهمی بودن، یا با هم-بودن، در-هم-نبودن – و یک کمونیتاس – باهم‌بودگی براساس قومی و طیفی یا دین – سامان می‌یابد، اگرچه از زیبا و خوبان یوپولیستی (در معنای قدیم آن) برخوردار نیست، اما گرایش گسترده‌تر و عمیق‌تری با توده‌های مردم دارد، اگرچه نگاه و بصیرتی جهانی دارد، اما از نوعی تمایلات ناسیونالیستی نیز برخوردار است، اگرچه مفاهیمی همچون دموکراسی و آزادی و پلورالیسم دقیق گفتمانی آن هستند، اما دقیق انضمامی و ناظر بر زندگی روزمره و عدالت اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و قومیتی و جنسیتی از برجستگی بیشتری برخوردارند.

● **شما در یادداشتی عنوان کردید «زمان آن فرارسیده که اصلاح‌طلبان نقش و نقاشی خود را**

# سیاست

# جریانی در راه است؛ پسااصلاح‌طلبی



علیرضا توفیق رشتی

جهان‌هایی که می‌تواند ساخته شود، می‌شود. اخلاق (اتیک) در بسط خود همان سیاست می‌شود. سیاست همان آفرینش امر نو یا تولیدی می‌شود که با تمامیت گشوده هستی مرتبط است. سیاست از امکان و استعداد بازتوزیع امر محسوس و ساخت و جایگزینی اتصالات متفاوت و متخالف در تقابل با اتصالات اکسیوماتیک قدرت مسلط را می‌یابد. سیاست همان هنر خلაცი می‌شود که نمی‌توان آن را رمزگذاری و کدگذاری کرد؛ همان آنتی‌سوسپوسی (ماشین‌های اجتماعی) می‌شود که نتیجه مهار و رمزگذاری سیلان‌ها و جریان‌های میل است. آن سیاست که در ایران امروز تجربه می‌کنیم، امری «نازیبا» و «پتبع»، «ناسیاست» – است. سیاست به فرشته مرگ خود تبدیل شده است. سیاست دیرگاهی است که اسیر و در حصار خود است؛ اسیر استغلاها و بت‌های مفهومی و نظری (ایدئولوژیک) برخاسته خود، اسیر متافیزیکی که به آن امکان و استعداد تحطی و امتناع و انحراف – یا به بیان کلو سوفسکی، جرح‌تعدیل‌ها و اصلاح‌ها یا وانموده‌ها – طرد هویت، پذیرش تفاوت و نگاه و رویکردی درون‌ماندگار – ناشی از آن می‌شود. این به نفع جریان اصولگرا خواهد بود یا در دوران پساکرونا باید انتظار تغییرات و تحولات عظیمی در گفتنام سیاسی را داشته باشیم؟ آیا فرصتی برای بازسازی جریان اصلاحات فراهم می‌شود؟

## سخنگوی سپاه با توجه به وضعیت کرونايي:

# به احتمال زیاد امکان برگزاری راهپیمایی قدس در تهران وجود ندارد

## روز جهانی قدس تعطیل ناپذیر است

روز دوم خرداد، آخرین جمعه ماه مبارک رمضان است و با عید فطر امسال تنها دو روز فاصله دارد. هر دو این مراسم‌ها نیز با حضور مردم برگزار می‌شود. قاصدنامق‌شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی نیز در جلسه هماهنگی چگونگی برگزاری راهپیمایی روز قدس گفته روز جهانی قدس تعطیل‌ناپذیر است اما هنوز درباره چگونگی برگزاری روز قدس تصمیم‌گیری نشده است. نصرت‌الله لطفی گفته: «در مورد چگونگی بزرگداشت روز قدس در کشور پیشنهادهات مختلفی مطرح شده است و باید در مورد این پیشنهادهات تصمیم‌گیری شود». او افزود: «این روزهای منتهی به روز قدس تصمیم قطعی در مورد چگونگی برگزاری راهپیمایی قدس در استان‌ها و شهرستان‌ها را اعلام نمی‌کنیم و باید ببینیم شرایط کشور در مورد موضوع کرونا چگونه است. با توجه به شرایط موجود، نمی‌توانیم نسخه واحدی را برای تمام کشور در مورد چگونگی برگزاری روز قدس داشته باشیم و باید متناسب با شرایط در هر منطقه تصمیم‌گیری کنیم. تاکنون ۱۲۰ پیشنهاد از سراسر کشور در مورد چگونگی بزرگداشت روز جهانی قدس مطرح شده است اما هنوز برنامه نهایی قطعی نیست».

## احتمال برگزاری راهپیمایی با موتور خودرو

او گفت: «در حال حاضر صحبت از این است که کشور از نظر شیوع ویروس کرونا به سه قسمت قرمز، سفید و زرد تقسیم‌بندی شود و ما می‌توانیم با این نگاه مراسم روز قدس را در شهرستان‌های مختلف برگزار کنیم».

لطفی افزود: «این پیشنهاد مطرح است که در شهرهایی که از سوی ستاد ملی کرونا به عنوان وضعیت سفید اعلام می‌شود، اجازه داده شود که تجمعات و فعالیت‌ها به صورت فیزیکی انجام شود از جمله اینکه در این شهرها که در وضعیت سفید هستند، بعد از پایان نمازجمعه مراسم راهپیمایی برگزار شود». رئیس‌جمهور نیز روز گذشته اعلام کرد در ستاد ملی کرونا تصمیم گرفته شده در ۱۳۲ شهرستانی که شرایطی کم‌خطر دارند، مساجد باز شوند و نمازجمعه در آنها برگزار شود. این تصمیم ممکن است به برگزاری روز قدس در این شهرستان‌ها نیز کمک کند. او افزود: «برای شهرهایی مثل تهران و مراکز استان‌ها که امکان حضور فیزیکی مردم ممکن نیست، دو دیدگاه مطرح است؛ از جمله اینکه موتورسوارانی با رعایت پروتکل‌های بهداشتی نمادهای تبلیغاتی روز قدس را حمل کنند و خانواده‌ها سوار بر خودرو در مسیر راهپیمایی حضور پیدا کنند و نمادهای مربوط به گرامیداشت این روز را همراه داشته باشند». لطفی همچنین گفته به وزیر بهداشت که ریاست ستاد مقابله با کرونا را برعهده دارد، نامه نوشته و از او خواسته‌اند ملاحظات مورد نظرشان را در این ارتباط اعلام کنند.

همکن با ساختاری ارگانستی و اندام‌وار و بدون فضای تهی و ناممکنی جنبه‌برداری و جنبه‌گذاری)؛ پیراسیاست (سیاست بدون سیاست، منطق پلیس، حذف آنتاگونیسم و امکان سوزه‌شدگی فردی)؛ فراسیاست (نوعی تاتار خیمه‌شب‌بازی)؛ ابرسیاست (اخته‌کردن امر سیاسی و مسکوت‌گذاشتن قابلیت ثبات‌شکنی آن)؛ پساسیاست (پایان یا طرد و قدغن‌کردن سیاست) و سیاست استعلایی و ادیسه‌وار افلاطون (سیاست چونان امر متعالی بر فراز هستنده‌ها، نیل به هستی‌ای متعالی پر، سرشار و کامل (عالم مثل) که هر آنچه وجود دارد سایه و روگفتی ناقص از آن است و ما نیز از آن دور افتاده‌ایم). به بیان دیگر، سیاست در جامعه امروز ما همچون سوسیالیسم در آن لطیفه قدیمی ضدکمونیستی لهستانی است که می‌گوید: «سوسیالیسم، ترکیبی است از عالی‌ترین دستاوردهای تمام ادوار تاریخی گذشته: از جامعه قبیله‌ای، وحشی‌گری را گرفته؛ از عهد باستان، برده‌داری را؛ از فنودالیسم، روابی سلطه را؛ از سرمایه‌داری، استمرار راه؛ و از سوسیالیسم، اسمش راه. این سیاست همان ناسیاستی است که درباره آن نمی‌دانیم چه می‌خواهد بکند، نه چه می‌تواند بکند. این سیاست همان سیاستی است که رخداد در راه را نه به‌یو می‌شناسد و نه به لب و دندان، نه پیش از کلو و کلو و بدن و حدث، نه حتی بعد ایام و شهور و بعد مرگ از قعر گور و یوم‌التشور. این سیاست همان سیاستی است که اصحاب آن چون به مشکلی برمی‌خورند، یکی گوشش می‌پیچد سخت، دیگری زیرگامش می‌چوبد لخت، وان دگر در نعل او می‌چوبد سنگ، وان دگر در چشم او می‌بیند زنگ و نهایتاً، آن دارو که می‌کند بیمار می‌کند. این سیاست، سیاستی است که فقط یک فلات می‌شناسد که در آن مونتاژ مشخص و معین و ثابت و واحدی میان میل‌ها، بیان‌ها، زبان‌ها، قلمروها، گزرت‌ها، ناهمسانی‌ها و... ممکن و بنابر است.

● **بسیاری شرایط امروز را به دوران پیشاکرونا و پساکرونا تقسیم می‌کنند و معتقدند با توجه به اینکه زمان زیادی از دولت روحانی نمانده، باقی این دوران صرف کنترل کرونا و عوارض اقتصادی ناشی از آن می‌شود. این به نفع جریان اصولگرا خواهد بود یا در دوران پساکرونا باید انتظار تغییرات و تحولات عظیمی در گفتنام سیاسی را داشته باشیم؟ آیا فرصتی برای بازسازی جریان اصلاحات فراهم می‌شود؟**

در مطلبی با عنوان «ایران پساکرونا» نوشته‌ام که «کرونا می‌آید و می‌رود، بیمار می‌کند، می‌کشد، اقتصاد را به هم می‌ریزد، انبوهی را بی‌کار می‌کند، بحران‌های اجتماعی و سیاسی موضعی و متوالی و متراکم بسیاری را ایجاد می‌کند و متعاقباً سبک‌های زندگی، منش و خویگان و شخصیت آدمیان را و شیوه‌های مدیریتی آنها را تغییر می‌دهد، اما در مورد ایران و ایرانیان این «متعاقباً» دفعتاً غیش می‌زند و دولت و ملت ایرانی همچنان کبسی برابر اصل و دست‌نخورده باقی خواهند ماند». بنابراین به‌رغم اینکه ابر و مه و باد و فلک ما را به تغییر می‌خوانند (به‌ویژه در این وضعیت کرونايي)، اما انسان ایرانی، جامعه ایرانی، سیاست ایرانی، دولت ایرانی، احزاب و جریان‌های سیاسی ایرانی، به شکل عجیب و شگرفی شکل اکنونش باقی می‌ماند، مطمئن باشید کرونا هم از پس ما برنمی‌آید.

## ادامه از صفحه ۵

## نام‌های آشنا در شرکت‌های

## خلق الساعه دارویی

به نظر می‌رسد این معضل در نظام سلامت ما حسابی ریشه دوانده است. راغفر در این باره توضیح می‌دهد: مسئله اساسی بحث تعارض منافع است که همه‌جا وجود دارد و علتش این است که بسیاری از نهادهای رسمی کشور عملاً درگیر تعارض منافع در اشکال گوناگون هستند از جمله خود دولت. افرادی در صنعتی حضور دارند و در موضع تصمیم‌گیری‌های عمومی هم می‌نشینند، مستقیماً در موقعیت تعارض منافع هستند ولو اگر خودشان اشخاص شرفیی باشند. در اینجا ممکن است از فرصت‌هایی که تصمیم‌گیری‌ها در تخصیص ارز و اعطای امتیازهای تشکیل شرکت‌های مختلف و... در اختیارشان قرار می‌دهد سوءاستفاده کنند. تا امروز این اتفاق بسیار افتاده است. یکی از موارد آن در وزارت بهداشت مسئله سازمان غذا و دارو بوده. شاهد بودیم اشخاصی که در موقعیت‌های مدیریتی وزارت بهداشت بوده‌اند، امتیازهایی را برای خودشان و شرکت‌های خودشان گرفتند و در بسیاری از موارد حتی افرادی که صلاحیت لازم در حرفه‌ای مثل داروسازی نداشتند هم از طریق آنها این امتیازات را کسب کردند یا اینکه در لیست داروهایی که مشمول دریافت بیمه می‌شوند برخی اقلام دارویی را گنجانده‌اند؛ برای اینکه دارو تولید خودشان بوده. امروز در مسئله تعارض منافع در دولت شاهدیم مدیری که در صنعت خاصی مشغول است و در سیاست‌گذاری‌های کلان کشور نقش دارد در بخش خصوصی این حوزه هم فعال است.

این اتفاق می‌تواند زمینه‌ساز فساد شود.

## سرکوب تولید داخلی با هدف ترویج واردات

یکی از معضلات بخش دارو مسئله قیمت‌های واردات است؛ اخیراً ۳۷۰ میلیون دلار در این وضعیت بحران ارزی برای واردات دارو اختصاص پیدا کرده است که حالی که بسیاری از کارشناسان و پزشکان معتقدند بسیاری از اقلام واردشده در داخل کشور قابل تولید هستند. راغفر عنوان می‌کند: یک دلار هم بابت تولید نهاده‌های تولید دارو اختصاص داده نشده است. اینها همه نشانگر یک مافیای بزرگ داروست که بسیار هم قدرتمند است و امروز در تخصیص ارز و تمامی امتیازات حضور دارد. واردات اقلام دارویی باید با مجوز سازمان غذا و دارو صورت بگیرد و اگر قرار باشد تخصیص ارز صورت بگیرد نیاز به تأیید آنهاست بنابراین مجوز اولیه از آنجا صادر می‌شود. اینکه چه اقلامی در لیست داروهای صادراتی قرار بگیرد هم باید به تأیید آنها برسد بنابراین امکان اعمال نفوذ در آن فوق‌العاده زیاد است. روشن است که چطور برخی اقلامی را وارد می‌کنند که در خود کشور تولید می‌شود. در سال‌های گذشته این شکل آشکار فساد به شکل بی‌سابقه‌ای گسترش پیدا کرده است هم‌زمان هم بسیاری از کارخانه‌ها را که متناسب با خواست این مافیا عمل نکنند، تنبیه می‌کنند.

او خبر می‌دهد که اخیراً یکی از واحدهای تولیدی شناخته‌شده در عرصه تولید دارو در کشور که بسیار هم کارآمد بوده به واسطه این افراد به دلایل مختلف از مسیر تولید خارج شده است. راغفر می‌افزاید: باعث تأسف است که چنین بنگاه‌ی تعطیل شود صرفاً به این خاطر که وارد ذوبندهای داخل سیستم نمی‌شود. این شرکت‌ها می‌توانند کالای مورد نیاز مردم را با یک‌دهم قیمت فعلی آن تولید کنند و این یکی از اتهاماتشان است. اکنون بسیاری از قوانین در کشور ما به نفع واردات و نه تولید در داخل است. برخی از مقامات هم در دستگاه‌های مختلف از این فرصت‌ها استفاده می‌کنند. آنها قوانین را به نحوی تدوین کرده‌اند که تولید در داخل بسیار پرهزینه شود و در مقابل واردات همان کالاها بسیار سهل شود؛ از جمله این موارد داروست. ارزی که به بسیاری از نهاده داروها برای تولید تعلق می‌گرفت، در یکی، دو سال گذشته از هشت‌هزارتومانی بود، در حالی که هم‌زمان ارز دارو را برای واردات چهارهزار و ۲۰۰تومانی اختصاص می‌دادند. نکته قابل توجه دیگر این است که برای قیمت‌گذاری کالاهای تولیدی و محصولات داخلی سختگیری جدی انجام می‌دهند تا مانع افزایش قیمت آنها شوند در حالی که واردکنندگان دارو تعیین قیمت را خودشان برعهده دارند. این حالت حاکسی از تعارض جدی منافع است.

هیچ جای دنیا نهادی که تولید خدمات و کالا را برعهده دارد، خودش مسئولیت قیمت‌گذاری ندارد. در مورد دارو مردم ناگزیر هستند هر مبلغی که تعیین شده را پرداخت کنند. موارد متعددی وجود دارد که قیمت واردات آنها حتی تا صدبرابر تولید مشابه در داخل است، کاری می‌کنند که تولید داخلی با ورشکستگی روبه‌رو شود تا مردم مجبور شوند از کالای وارداتی استفاده‌کنند.